

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سلسله قیامت و آخرت

### سیدالشیخ یاجوج و ماجوج و دایه الارض

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على  
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و  
اما بعد :

یکی دیگر از علامات (کبرای) قیامت، پیدایش  
یاجوج و ماجوج است.

خداوند می فرماید:

«حَتَّىٰ ۚ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّن كُلِّ  
حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ۖ وَأَقْتَرَبَ أَلْوَعْدُ أَلْحَقُّ فَإِذَا هِيَ  
شَخْصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُواِ يَوِيلُنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ  
هَٰذَا بَلَّ كُنَّا ظَالِمِينَ ۖ» (الأنبياء/۹۶-۹۷)

«تا زمانی که یاجوج و ماجوج رها می گردند و شتابان از  
هر بلندی و ارتفاعی می گذرند [و موجب پریشانی و هرج  
و مرج در زمین می گردند] \* در این هنگام وعده راستین  
خدا (روز قیامت) فرامی رسد و به ناگاه چنان وحشتی  
کافران را فرامی گیرد و چشم هایشان از حرکت ایستاده و  
فریادشان بلند می شود که ای وای بر ما، ما از این روز  
غافل بودیم. بلکه ما به خود ظلم کرده ایم».

خداوند در داستان ذی القرنین می فرماید: «ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا  
ۖ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ يَجْعَلْ  
لَّهُم مِّن دُونِهَا سَبَرًا ۚ كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خَيْرًا ۖ  
ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا  
قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۖ قَالُوا يَبْنََا الْقَرْيَتَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ  
وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ

تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم سَدًّا ۖ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي  
بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۖ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا  
سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ  
ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۖ فَمَا اسْطَبَعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا  
اسْتَبْطَعُوا لَهُ نَقْبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ  
رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۖ \* وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمُ  
يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فُجِعَتْهُمْ جُمُعًا ۖ  
وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۖ» (الكهف/ ۸۹-۱۰۰)

«سپس جهت برگشت از وسیله استفاده نمود \* تا وقتی به  
محل طلوع خورشید رسید، دید که آفتاب بر مردمانی  
می تابد که برای حفظ خود از آن، ما پوششی [لباس یا  
منزل مسکونی] بهره ایشان نکرده بودیم \* همان گونه که  
قبلاً با مردم مغرب زمین رفتار کرده بود با اینها نیز رفتار  
کرد] و ما از آنچه داشت میان دو کوه رسید کاملاً مطلع  
بودیم \* سپس از وسیله استفاده کرد و به طرف شمال  
رفت \* تا جایی که میان دو کوه رسید و در فراسوی آن  
کوه مردمانی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند \*  
گفتند: ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در این سرزمین  
تبهکاراند. آیا برایت هزینه ای معین کنیم تا میان ما و ایشان  
سد بزرگ و محکمی بسازی \* گفت: آنچه پروردگارم از  
ثروت و قدرت در اختیارم گذاشته بهتر است شما مرا با  
نیروی یاری دهید تا میان شما و ایشان سد محکمی بسازم \*  
سپس شروع کرد و گفت: قطعات بزرگ آهن را برایم  
بیاورید و با چیدن آنها بر یکدیگر کاملاً دو طرف کوه را  
برابر کرد و آتش را روشن نموده و دستور داد که در آن

بدمند تا وقتی که قطعات آهن سرخ و گداخته شد (و به هم پیوند خورد) و گفت: مس ذوب شده را بیاورید تا بر آن بریزیم: آنقدر سد محکم شد که یاجوج و ماجوج هرگز نتوانستند از آن عبور کنند یا آن را سوراخ نمایند \* بعد از تمام شدن سد گفت این از مرحمت پروردگار من است که هر گاه وعده خدا فرارسد آن را ویران و با زمین یکسان می کند و وعده پروردگار من حق است \* در آن روز ما آنها را رها می سازیم تا برخی در برخی دیگر موج زنند و دوباره در صور دمیده می شود و ما ایشان را به گونه شگفتی گرد می آوریم \* و در آن روز دوزخ را به طرز شگفتی به کافران نشان می دهیم».

در تفسیر (ابن کثیر) در داستان ذی القرنین چگونگی ساخت این سد محکم از آهن و مس را توسط وی آورده که بعد از ساخت، محکم و یک تکه شده است و ذوالقرنین می گوید: این از جمله رحمت های خداوند به من است که بین این گروه مفسد و این مردم مظلوم حایل بسازم و وقتی مهلتش تمام شود و خدا بخواهد، آن را با خاک یکسان خواهد کرد و این حادثه حتماً رخ داد و بعد از خراب شدنش آنها موج مانند به مردم حمله می کنند. در صحیحین از حدیث ام المؤمنین زینب بنت جحش آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه وسلم که نزد وی خوابیده بود با چهره ای قرمز شده از خواب بیدار شده و می گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وای بر مردم عرب از شری که نزدیک شده است. امروز از سد یاجوج و ماجوج به این اندازه باز شده است [و بین دو انگشت حلقه ای درست کرده] و در روایتی:

«هفتاد یا نود را نشانه گرفت». گفتیم: «یا رسول الله صلی الله علیه وسلم، اگر صالحان و نیکوکاران در ما باشند هم هلاک می شویم؟ فرمود: آری، اگر پلیدی ها افزایش یابد». در حدیث نواس بن سمعان آمده است که: «بعد از اینکه حضرت عیسی، مسیح دجال را نزد دروازه شهر لَدّ می کشد، خداوند به عیسی علیه السلام وحی می کند که مردمی از بندگانم را خارج نموده ام که هیچ کس حتی تو نیز یارای مقابله با آنها را ندارد. بندگانم را به کوه طور پناه ده، خداوند یاجوج و ماجوج را فرستاده که از هر تپه ای سرازیر می شوند، حضرت عیسی و همراهانش به خدا پناه می برند و خداوند کرمی را مأمور آنها کرده و آنها را همچون مرگ یک نفر نابود می سازد و عیسی و یارانش به زمین برمی گردند، ولی حتی یک وجب از زمین را که بوی گندیده و متعفن آنها درامان مانده باشد نیز پیدا نمی کنند که دیگر بار عیسی و یارانش به خدا پناه می برند و خداوند پرندگان با گردنی همچون گردن شترهای عظیم الجثه و قوی هیکل را می فرستد و آنها را به جایی که خدا بخواهد انتقال می دهند، سپس خداوند بارانی را به مدت چهل روز می فرستد که به همه نقاط زمین از شهرها گرفته تا صحراها می رسد و زمین را به صورتی شستشو می دهد که مثل آیین پاک و منزه می گردد، به زمین گفته می شود ثمرات را برویان و برکات را بیرون بریز تا جایی که گروهی از مردم از یک انار می خورند و زیر پوستش نیز سایه می گیرند» تا آنجا که فرمود: «در این حالت خداوند نسیمی لطیف و خوش می فرستد که به زیر بغل مؤمنان نفوذ کرده و روحشان را می گیرد و فقط فاسدان و

تبهکاران می مانند که الاغ وار و حیوان صفت بر یکدیگر سوار می شوند و قیامت بر همین مردمان به پا می شود». ابن کثیر می گوید: یاجوج و ماجوج دو طایفه ترک تبار و از سلاله آدم هستند. بعضی گفته اند که این دو قبیله از کشور چین برمی خیزند و آنچه این فرضیه را تقویت می کند این است که نژاد ملت چین و ملت ترک یکی است و حتی در اشکالشان نیز به یکدیگر شباهت فراوانی دارند والله اعلم)

در حدیث صحیح آمده است که «روز قیامت خداوند به حضرت آدم دستور می دهد که جهنمیان را به جهنم بفرست. آدم می پرسد: چند درصد را؟ می فرماید: از هر یک هزار نفر ۹۹۹ نفر را به جهنم و یک نفر را به بهشت بفرست و آن زمانی است که کودکان از ترس و وحشت پیر می شوند و زنان حامله سقط جنین می کنند، ندا زده می شود: مژده دهید که یاجوج و ماجوج فدیة شما خواهند بود و در روایتی: «در میان شما دو قوم به نام های یاجوج و ماجوج هستند که هر جا باشند، اکثریت را تشکیل می دهند» (به روایت بخاری، مسلم و احمد).

یاجوج و ماجوج گروهی از نوادگان یافث یکی از فرزندان نوح هستند که چون مردم زمین را مورد آزار و اذیت قرار می دادند، ذوالقرنین آنها را داخل سدی محبوس کرد تا خداوند اجازه خروجشان را صادر سازد. {نوح علیه السلام چهار فرزند داشت به نام های: حام، سام، یام و یافث. یام که همان کنعان باشد که در طوفان غرق شد و نسل کنونی بشر زاده سه فرزند دیگر وی هستند. از سام، عرب، فارس و رومیان به وجود آمدند، از یافث ترک ها و

سقالبه و یأجوج و مأجوج پدیدار شدند و از حام قبطیان و سودان و بربریان زاده شدند. این نسب‌بندی در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به روایت حافظ ابوبکر بزاز نقل شده است. البته ابن عبدالبر آن را به ساعد بن المسیب رحمه الله نسبت داده است والله اعلم} آنها به شکل ترک‌های امروزی هستند و روایات وارده در اینکه آنها شبیه نخل‌های بلند یا خیلی کوتاه قد بوده یا گوش‌هایی دارند که با آنها روی خود را می‌پوشانند و ... همه‌اش روایاتی بدون دلیلی است که هیچ اساسی ندارد والله اعلم.

#### دَابَّةُ الْأَرْضِ:

حیوانی از زمین خارج گشته و با مردم سخن می‌گوید. خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (النمل/۸۲)

«هنگامی که فرمان وقوع قیامت فرامی‌رسد از جمله نشانه‌های آن این است که ما جانوری را از زمین برای مردمان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که کافران به آیات خدا ایمان نمی‌آورند».

در چگونگی سخن گفتن این جانور از ابن عباس، حسن و قتاده نقل شده است که با مردم به صورت عادی سخن می‌گوید. ابن جریر از علی و عطاء نقل کرده که به مردم می‌گوید که «کافران به آیات خدا یقین نداشتند». در روایتی دیگر از ابن عباس نقل شده که با مردم سخن گفته

و آنها را از همدیگر جدا می‌کند و بر پیشانی کافر می‌نویسد «کافر» و بر پیشانی مؤمن می‌نویسد «مؤمن». در روایتی دیگر از وی آمده است: با مردم سخن گفته و آنها را در حرج و مشقت قرار داده و شرمندگی می‌سازد که این روایت جامع بین دو روایت قبلی بوده و ترجیح داده می‌شود والله اعلم.

از ابی‌سریحه حدیفه بن اسید الغفاری نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: قیامت فرامی‌رسد تا اینکه ده علامت را ببینید: طلوع خورشید از طرف مغرب، دخان، دابه (حیوان) خروج یأجوج و مأجوج، خروج دجال، خروج عیسی بن مریم، و سه خسوف (ماه گرفتگی) یکی در مغرب و دیگری در مشرق و سومی در جزیره‌العرب و آتشی که در سرزمین عدن به پا می‌شود و مردم را به طرف محشر سوق می‌دهد و در روایتی: با مردم به راه افتاده هر جا منزل کنند منزل می‌کند و هر جا بخواهند با آنها متوقف می‌شود. (به روایت احمد، مسلم و اصحاب سنن)

امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قبل از شش حادثه به اعمالتان رسیدگی کنید: دجال، دخان، دابه الارض، طلوع خورشید از مغرب، رسیدن قیامت و زمانی که به علت کثرت فتنه‌ها اعمالتان کم می‌شود». (ابن ماجه نیز روایت کرده است)

و امام مسلم از عبدالله بن عمر روایت می‌کند که فرمود: حدیثی را از رسول خدا صلی الله علیه وسلم حفظ

نموده‌ام که هنوز آن را فراموش نکرده‌ام. شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: «اولین نشانه از نشانه‌های قیامت، طلوع خورشید از مغرب است و خروج حیوانی که در چاشت بیرون می‌آید و هر کدام از این دو زودتر بیاید، دومی بلافاصله بعدش خواهد آمد».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در این حدیث اولین نشانه‌های غیر طبیعی را بیان فرموده است. هر چند نشانه‌های طبیعی مثل نزول عیسی بن مریم و خروج دجال قبل از این دو نشانه خواهد آمد. چون نشانه‌هایی مثل نزول عیسی، خروج دجال، یأجوج و مأجوج، اموری هستند که خارج از طبیعت نبوده و مردم راحت‌تر آنها را می‌پذیرند، ولی خروج حیوانی با هیأتی عجیب و غریب و حرف زدنش با مردم و علامت‌گذاری آنها به کفر و ایمان خارج از فهم و درک مردم بوده و خارج از طبیعتی است که مردم به آن عادت کرده‌اند و بر اساس این حدیث، خروج این حیوان اولین علامت غیر عادی زمین است و طلوع خورشید از طرف مغرب، اولین علامت از علامت‌های غیر طبیعی آسمانی است. (با طلوع خورشید از مغرب، نظامی کونی زمین به هم خورده و حوادث قیامت شروع می‌شود)

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.**  
**وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**